

امتحانات نیمسال دوم - گروه الف

اردیبهشت ۱۳۹۷

شهرستان:

مدرس:

محل آزمون:

نام و نام خانوادگی:

نام پدر:

کد ملی:

درس: نحوه - ۴ - معنی الاریب - ۲ن - پرونده:		پایه: ۳	
تاریخ: ۹۷/۰۲/۱۸		ساعت: ۸	
کد مصمم	به مروف	به عدد	نتیجه
			بازبینی

لطفاً به همه سؤالات تستی و ۷ سؤال تشریحی پاسخ دهید. در صورت پاسخ به همه، به سؤال آخر نمره داده نمی‌شود. (تستی ۰/۵ و تشریحی ۲/۵ نمره) (محدوده: معنی الاریب، از اول حرف التاء تا مفرد کل)

تستی

- در جمله «اللهم اغفر لی و لمن یسمع حاشا الشیطان و أبا الأصیغ» کلمه «حاشا» است. **۱۱۳/د**
 - فعل متعدی متصرف
 - ب. تنزیهیه
 - ج. حرف جار استثنائیه
 - د. فعل متعدی جامد (استثنائیه)
- در مثال «قاموا لا سیماء...» در صورتی «ما» می‌تواند موصوله باشد که اسم بعد از آن باشد. **۱۳۰/ب**
 - مجرور
 - ب. مرفوع
 - ج. نکره منصوب
 - د. معرفه منصوب
- بنابر قرائت نصب و رفع کلمه «غیر» در آیه «لَا یَسْتَوِی الْقَاعِدُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِینَ غَیْرَ أُولِی الصَّرْرِ» کدام گزینه غلط است؟ **۱۴۹/د**
 - بنابر قرائت رفع، «غیر» صفت برای «القاعدون» است
 - بنابر قرائت رفع، «غیر» بدل از «القاعدون» است
 - بنابر قرائت نصب، «غیر» استثنائیه و استثناء تام است
 - بنابر قرائت نصب، «غیر» استثنائیه و استثناء مفرغ است
- بنابر نظر مصنف، نوع «فاء» در آیه «إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ فَصَلِّ لِرَبِّكَ» چیست؟ **۱۵۴/ج**
 - عاطفه
 - ب. زائده
 - ج. سببیه محضه
 - د. استینافیه
- «قط» فی قول الفرزدق «ما قال لا قطّ إلا فی تشهده» تکون **۱۶۳/أ**
 - ظرف زمان لاستغراق ما مضی
 - ب. بمعنی «حسب»
 - ج. اسم فعل بمعنی «اكتف»
 - د. اسم فعل بمعنی «یکفی»

تشریحی

* «ثم» حرف عطف یقتضی ثلاثة أمور: التشریک فی الحکم و الترتیب و المهلة، و أما الترتیب فخالف قوم فی اقتضائها إیاءه تمسکاً بقوله تعالی «خَلَقْکُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ جَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا» و الجواب عن الآیة من وجوه.

- استدلال به آیه برای نفی ترتیب در «ثم» را توضیح دهید. **ب.** دو پاسخ در برابر تمسک به آیه بیاورید. اگر قائل شوید «ثم» در آیه ترتیب را می‌رساند، لازم می‌آید که «حواء» بعد از خلقت ما خلق شده باشد در حالی که پیش از ما خلق شده است. **ب.** ۱. عطف بر محذوف است (من نفس واحدة أنشأها ثم جعل منها زوجها)؛ ۲. عطف بر «واحدة» است بر تأویل آن به فعل (من نفس توحید)؛ ۳. «ثم» برای ترتیب اخبار است، نه ترتیب در حکم. **۱۰۹**

- دو فرق «حتی» عاطفه با «واو» عاطفه را بنویسید. **ب.** در کلمه «غواتهم» در شعر «عممتهم بالندی حتی غواتهم / فکنت مالک ذی غی و ذی رشک» چند وجه اعرابی جایز است؟ تبیین کنید.
 - برای معطوف «حتی» سه شرط وجود دارد: - معطوف، بعضی از جمع ما قبل «حتی» باشد یا جزئی از کل ما قبل «حتی» یا کالجزء باشد. - معطوف «حتی» غایت ما قبل «حتی» باشد (غایت در زیاده و نقصان). - معطوف باید اسم ظاهر باشد.
 - «حتی» عطف جمله بر جمله نمی‌کند (فقط مفرد بر مفرد).
 - زمانی که کلمه‌ای را عطف بر مجروری کند خافض بر سر معطوف تکرار می‌شود.
 - سه وجه اعرابی: ۱. آن تخفیف علی معنی «إلی»؛ ۲. آن تنصب علی معنی «الواو»؛ ۳. آن ترفع علی الابتداء. **۱۱۷_۸**

* الثانی (من وجهی «خلا») آن تکون فعلاً متعدیاً ناصباً للمستثنی تقول «قاموا خلا زیداً» و إن شئت خففت إلیا فی نحو «ألا کل شیء ما خلا الله باطل» و ذلک لأن... .

- دو قول مطرح شده درباره محل اعرابی جمله «خلا زیداً» و ترکیب آن را بنویسید. (ترکیب اجزای جمله مراد نیست) **ب.** چرا در مانند «ألا کل شیء ما خلا الله باطل» جر «الله» جایز نیست؟
 - جمله مستأنفه؛ محلی از اعراب ندارد؛ ۲. جمله حالیه؛ محلاً منصوب. **۱۲۲**
 - لأن «ما» هذه مصدریة فدخلها یعیّن الفعلیة.

* تنفرد «رب» من سائر حروف الجرّ بثمانیه امور... و بآنها زائده فی الإعراب دون المعنی و بجواز مراعاة محلّه کثیراً و إن لم یجز نحو «مررت بزید و عمراً» إلّا قليلاً.

۴. با توجه به عبارت، دو ویژگی برای «رب» بیان کرده، برای یک مورد، مثالی بزنید.

۱. «رب» از حیث ترکیبی و نقش، زائده محسوب می‌شود؛ یعنی مجرور آن به حسب نقش مقتضی در کلام نقش می‌پذیرد لکن از حیث معنا «رب» مفید تقلیل یا تکثیر است و زائده نیست؛ مثلاً در جمله «ربّ رجل صالح عندی» رجل که مجرور به ربّ است نقش مبتدا دارد و عندی خبر آن.

۲. از آنجا که ربّ در ترکیب زائده است کثیراً در تابع مجرور آن مراعات اعراب محلی آن می‌شود در حالی که در سایر حروف جرّ جایز نیست مگر قليلاً؛ مثلاً می‌توان گفت «ربّ رجل صالح عندی و امرأة کریمه» (کتاب برای جواز مراعاة محل مجرور «رب» مثالی زده است). ۱۲۶

* تستعمل «عسی» علی أوجه: أحدهما أن یقال «عسی زیدٌ أن یقوم» و اختلف فی إعرابه علی أقوال، الأوّل - و هو قول الجمهور - أنه مثل «کان زیدٌ یقوم» و استشکل... و أجب... الاستعمال، الثانی أن یقال «عسی أن یقوم زیدٌ»...

۵. ا. اشکالی را که به ترکیب جمهور گرفته شده، همراه با یکی از پاسخ‌های جمهور بنویسید. ب. در استعمال ثانی در صورتی که «عسی» ناقصه گرفته شود، دو ترکیب برای جمله بیاورید.

ا. اشکال: خبر (أن یقوم) تأویل به مصدر می‌رود (و حدث می‌شود) و مخبر عنه (اسم عسی) ذات است در حالی که حدث نمی‌تواند عین ذات باشد و حمل بر او شود.

سه جواب: ۱. از باب «زیدٌ عدل» است (حمل حدث بر ذات به سبب بیان مبالغه): ۲. قبل از اسم یک مضاف در تقدیر می‌گیریم (با این کار اسم عسی حدث می‌شود و حمل حدث بر حدث ایراد ندارد) «عسی أمر زید القیام»؛ ۳. قبل از خبر یک مضاف در تقدیر می‌گیریم (با این کار خبر «عسی» ذات می‌شود و حمل ذات بر ذات ایراد ندارد): «عسی زیدٌ صاحب القیام».

ب. ۱. «أن یقوم» تأویل به مصدر می‌رود و سد مسد اسم و خبر عسی می‌شود.

۲. یک ضمیر داخل «عسی» در تقدیر می‌گیریم که می‌شود اسم «عسی» و «أن یقوم» با فاعلش (زید) می‌شود خبر «عسی» (تنازع عسی و یقوم بر سر زید و اعمال عامل دوم در اسم ظاهر).

۳. «زید» اسم «عسی» و «أن یقوم» با فاعلش (ضمیر مستتر) تأویل به مصدر می‌رود و خبر «عسی» می‌شود. ۱۳۵_۸

۶. در هر عبارت، معنای «عن» را مشخص کنید.

ا. «وَمَنْ یَجَلْ فَأَمَّا یَجَلْ عَنْ نَفْسِهِ» - استعلاء.

ب. «وَمَا كَانَ اسْتِغْفَارُ إِبْرَاهِيمَ لِأَبِيهِ إِلَّا عَنْ مَوْعِدَةٍ» - تعلیل.

ج. فلقد أرانی للرماح درینة / من عن یمینی مرّة و أمامی: - اسم به معنای جانب.

د. یا هذا كفّ عن الغیة: - مجاوزه.

هـ. «یُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ عَنْ مَوَاضِعِهِ»: - مرادفه «بعد». ۱۴۱_۴

* تقع «کما» بعد الجمل کثیراً صفة فی المعنی فتكون نعتاً لمصدر أو حالاً و یحتملها قوله تعالی «یَوْمَ نَطْوِي السَّمَاءَ كَطَيِّ السِّجِلِّ لِلْكُتُبِ كَمَا بَدَأْنَا أَوَّلَ خَلْقٍ نَعِيدُهُ».

۷. ا. بنا بر اینکه «کما» نعت باشد و معمول برای «نعيدُهُ»، تقدیر آیه چیست؟ ب. در صورتی که «کما» حال باشد، ذوالحال آن چیست؟ و آیه چگونه معنا می‌شود؟

ا. نعيد أول خلق إعادة مثل ما بدأنا.

ب. ذوالحال مفعول به نعيدهُ است: نعيدهُ مماثلاً للذی بدأنا. ۱۶۶

۸. در هر عبارت، «کذا» بسیط است یا مرکب؟ در صورت کنایه بودن «کذا»، مشخص کنید که کنایه از چیست.

ا. قال النبی ﷺ: «فیقال للعبد یوم القیامة: عملتَ یوم کذا و کذا، کذا و عملتَ یوم کذا و کذا، کذا و کذا». - کلمة واحدة مرکبة من کلمتین مکنیاً بها

عن غیر عدد.

ب. «أهكذا عرشک». - کلمتین باقی‌تین علی أصلهما و هما «کاف» التشبیه و «ذا» الإشاریة.

ج. قبضت کذا و کذا درهماً. - کلمة واحدة مرکبة مکنیاً بها عن العدد. ۱۷۱